

نگاه

ناهید موسوی



نگاه

ناهید موسوی

نشر مهري براي گذر از سانسور و خوانش آسان و بي دردسر، با اجازه نويسنده، پي دي اف كتابها را براي دانلود رايجان در دسترس خوانندگان داخل ايران قرار مي دهد.

«پیشکش به وطنِ خیال ام، کلمه»



نشر مہری

شعر * ۴۹

نگاہ

ناہید موسوی

| چاپ اول: پاییز ۱۴۰۰، نشر مہری |

| شابک: ۹۷۸-۱-۹۱۵۰۲۹-۵۷-۷ |

| صفحه آرای و طرح جلد: استودیو مہری |

مشخصات نشر: نشر مہری.

۲۰۲۱ میلادی / ۱۴۰۰ شمسی.

مشخصات ظاہری: ۶۶ ص.: غیر مصور.

موضوع: شعر معاصر فارسی.

کلیه حقوق محفوظ است.

© ناہید موسوی.

© ۲۰۲۱ نشر مہری.



www.mehripublication.com

info@mehripublication.com



www.mehripublication.com

گاه
بگذار
نگاه
همسفرِ باد
شود.

۲

در باد
نگاه‌ام
مات
سوی آسمان
می‌ماند
به پیوندِ سست‌اش
با ابر.

۲

چقدر
از من
دور شده‌ای
گویی
از خواب‌هایت هم
من را
رانده‌ای...

سرخوشی پیامِ سرانگشتان
که می‌شورد
بر ترسِ تنِ ام
وازلندی‌هایم
سرازیر می‌شود

ابدی باد
مرهم بوسه‌هایت
بر چگالیِ زخم‌هایم

تا آنجا
که در سرزمینِ تن
ویرانه‌ای
بر جای
نماند.

۴

هر دو
عریانیم
و من
گوش می‌سپرم
به نوایِ رودِ رگ‌های ات
به کوبشِ طبلِ دل ات
وباورم شده‌ست
نام من را
نجوا می‌کند

پس
خوشا

۶

نگاه
برنگردان

شامه‌ی تیزی دارد
نگاه‌ام

اندوه را
ندیده
می‌بوید.

۵

بانگِ نگاهات
تلاوتِ آیه‌ایست
که هیچ خدایی
بر هیچ پیامبری
نازل
نتوانسته.

و کارِ ناتمامِ حوا را
به پایان
می‌رسانم.

۷

خودم
کار را
تمام می‌کنم

حال
که از بهشت
رانده شدم

دندان را
تا جگر
در تنِ شیرینِ سیب
فرو می‌برم

از شتاب
از رفتن
به راهی
که شاید
رسیدن دارد
ولی
دیدن
نه.

در گرگ و میش رفتن
یا ماندن
پتوی پوست
تا زیر چانه
بالا می کشم

پیمانه‌ی خواب‌هایم
سرریز می‌شود
از دلشوره‌ی دست‌ان‌ام
که پاها
در برفش‌ده‌اند
تا باز بدارندشان

۱۰.

نمی‌دانم
کجا
از کی

بر تنِ نحیفِ دم
جامه می‌بافم
با کلافِ تَرِدِ واژه‌ها

رَج به رَج
آوار بر هم

همچون موری
که توشه می‌اندوزد
برای زمستانِ حسی.

۹

خواستم
پُرشتاب
بازگردم
به خودم

برفِ همهمه بارید

راه‌بندان شد.

حالا نه
اما
وقتش برسد
تازیانه‌ای خواهیم زد
بر بنیه‌ی وریدها
تا سرخیِ خون
از تیره‌ی زخم
آشکارتر باشد
اینست
وعده‌ی هر روزم
به آینه.

چون
به تو می‌اندیشم
رودخانه‌ها
سویِ گذر
به کویرِ نگاه‌ام
کج می‌کنند
و پرنده‌های خون‌گرم
بالِ حس‌ام را
می‌گیرند
تا از گورِ سردش
بالا بکشند.

۱۴

آه
از این اندوهِ نابردبار
که چون سلولِ غبار
مدام
روزی می جوید
تا شانه‌ی لحظه را
به خاک
بنشانند.

۱۳

بهار نگاهات
چنان
راز بودن
فاش می گوید
که باورم شده‌ست
گل‌ها
تنها پیامبرانِ خوش خبراند
هر چند
تا خزان
گرچه
ناپایا.

۱۶

کمی مهربان باش
بابی تابی ام
آنگاه
که دل
پرنده‌ای می‌شود
بی‌زبان
و واژه‌های پُرتپیش
کم می‌آورد.

۱۵

امروز
که راهی
به خانه‌ی باورم
یافته‌ای
ارج مردمکانات
می‌دانم
ارج آن نگاه
که هجای نادیدن نیست
ورونقی
در بازارِ خواستن‌ست.

۱۸

از که بگویم
از آنی
که روی گردانِ آینه‌هاست
یا سایه‌ای
که از نور
می‌رمد
یا خامه‌ای
که فرمان برِ جوهری
بی‌رمق‌ست.

۱۷

من را
برگردان
به روزگاری
که شب
طعم مهتاب را
در دهان
مزه می‌کرد.

کاش می‌شد
بازگشت

به روزگارِ پیش از نبرد

پیش از تنگیِ تابوت و
نفس.

زیاد پیش می‌آید
بارها

پینه‌ی امروز

نیم‌نهان

به خرقه‌ی نخ‌نمایِ شب

پیوند بزنم

و تا سپیده

با دم‌های نیمه فرورفته

و بازدم‌های نیمه برآمده

خود را

به تیمارِ روزی دیگر

برسانم

زیاد پیش می‌آید.

و تک‌درختی
که حتی
در زمستان بی‌برگی
سنگِ بهار
به سینه می‌زند.

تا بیشتر
گم نشده‌ام
پیدایم کن
در مَرزَن‌گاه
رَدَم را
از برگِ خزان دیده بگیر
از بادی
که هم‌سویِ خودش
مانده‌ست

در دایره‌ی زندگی
 هرگاه
 خواستم
 تارها کنم
 شب را
 به حال سیاهِ خودش
 یا بنای روز را
 با رنگین آجرِ واژه‌ها
 برپا کنم
 مدار تیره‌ی حال
 مجال نداد.

پیش از سفر آفتاب
 به دامان باختر
 با تو
 جرعه
 جرعه
 می نوشم
 از چشمه‌ی نور
 آنقدر
 تا ستیغ سایه‌ام
 به دوردست‌ها
 سر بساید.

در چنبره‌ی خیال

مایمی
که من ست و
خودست

در مداری
بی هیچ راه‌گریز
شکوه رویای گذرا
به تماشا
می‌نشینیم.

خروس‌خوان
با نگاهی عاشقانه
سپیده‌دم
از پسِ پلک‌هایت
سر می‌زند

و شبانگاه
مهتاب
با آواز زنجرها
از آسمانی بی‌غش
رقصان
به حوض آب
سُر می‌خورد.

در خانه‌ای
که من و پنجره‌هایش
هم‌زادیم

شورِ کوچه را
از گذرِ گام‌هایت
می‌پاییم.

روزمرگی‌هایم را
دوست دارم
وقتی نگاه
چشم‌براه طلوع می‌نشیند و
غروب

وقتی لحظه
تهی می‌شود و پُر
از شوکران هیاهو و سکوت
و فنجانِ چای
به خشکی باز می‌گرداندم
چون غرق شعری‌ام

وقتی پای ام
راهام می برد
و دست ام
آویزی می جوید
و بهانه ای
برای پویندن
به من
چشم می دوزد

حتی آن باید را
که بر دم های پُرارجام
چنگ می اندزد را
دوست دارم.

۲۸

آتش واژه ای
که برگ جانام
سوزانده ست

خاکسترم را
گواه می گیرد
که بوده ام
تا تورا
دوست بدارم.

در خود خزیده
خاموش

از دیدگانی
با تَرَک‌های پنهان
اشک می‌ریزیم

بر خشمِ ناتوانِ مشت‌ها

بر انبوهِ یاوه
در پیمان‌ها.

در این غوغای بی‌حرفی

دست در پنجه‌ی زوال

با بیکرانگی
همسو

به چشم می‌آموزم
تا نگاه

برنگیرد از موج
از فراز و فرود درد...

شگفت نیست
اگر
شعر شاعرانش
مدام
بوی باروت بدهد.

۳۱

به دیاری

که هر روز

یاقوت خون

بر انگشتری خیابان

نگین ست

و گداز گلوله

بر تارک دم

نشانه

بیا
واندکی
از خودت بگو

بگو
چگونه
ماهی بیداری
راهی
به تنگ خواب‌هایت
یافته است.

امروز
باز
باد
تیزپا
ردی
بر گونه‌ها می‌گذارد

باران
با بوسه‌های تر
لحظه‌ها را
بدرقه می‌کند

تا زندگی
این عشق ورزِ دیرپا
جامِ زمان را
از می بودن
لبریز کند.

۳۴

بهتر نبود
خودت کنارم باشی
تا اینکه
سودایات
در گوشِ بادها
آوازه‌ها
و مرثیه‌ها
طوفانی به پا کند

آسان‌تر نبود
اگر
هر دم

۳۵

هیچ چیز
در من
آسان
نمرد.

چشم
به آغوش چشم ام بسپاری
تا اینکه
در آینه‌ها
آبها
و چشم اندازها
نگاه
از نگاه
برنگیری.....

۳۷

آسان نیست

در همه‌ی ناشنیدن‌ها

آوارگی واژه‌ها را
به دوش کشیدن....

۳۶

بیگانه چرا؟

تا چشم خورشید

بازو

دیده‌ی مهتاب

بیدارست

هر جا

بنا کنیم

خانه را

هم‌رنگی مان

از رنج‌ها مان

هویداست.

۳۹

زخمی
که دردی
بر جای نهادهست را

شانه‌ی باور
درمان ست.

۳۸

چه چشم‌داشتی؟
از کدام خدای آبادانی؟

آنجا
که نگاه‌دزدی
پیشه‌ی انسان و

تیمارِ درد
به بیمار
وانهادهست.

۴۱

هر که گفت
بیش از من
درخت را
دوست دارد
تو باور نکن

هر که گفت
استوارتر از من
ساقه را
می جوید
تو باور نکن

۴۰

شامگاهان
که سبویِ دم
پر می شود
از شراب حضور

ماه
خالی سرخ
بر رخِ سیاه آسمان می کشد

تا ادامه ام
در خلوتِ شب
گم شود.

در کنه کالبدت
کنجی
به درخت تنام
بدهی.

هر که گفت
پربارتر از من
شاخه را
نیاز دارد
تو باور نکن

هر که گفت
سبزتر از من
برگ را
می بیند
تو باور نکن

هر که گفت
عمیق تر از من
ریشه را
می کاود
تو باور نکن

و تو
این همه را
باور نخواهی کرد
اگر

بر آن نشست
لنجر
به خاک کدر می اندازد و
با تلافی می شود
برای دست و پا زدنات.

۴۲

زندگی
فرشیست
که چون
شاد
بر آن
پای کوبیدی
ابری می شود
زیر پای سبک بالیات

و کشتیست
که چون
مات

تا تنهایی را
با یکی شدن
ناخت بزند.

۴۳

عشق
شکافیست
در دیوار زمان
که چشم
خیره می‌کند
تادل
از دست برود

و شوریست
که ثانیه را
هیچ می‌پندارد



نـ شـ ر م هـ ر ی

منتشر کرده است:

شعر

دو قلب، گشاله‌های ران و شعرهای ممنوعه • علی کاکاوند
سمفونی عرعر • لیلی گلزار
هنگامه غربت (۴ جلد) • خاطره خیوه
حتی به احترام کاغذ • فرخنده حاجی‌زاده
هفتاد غزل عاشقانه • علی صبوری
نظربازی عاشقان در سحرگاه شهرپور • علی صبوری
سرزمین ترانه‌های بی‌بخند • علی صبوری
بن‌بست‌های باز • لیلی گلزار
بی‌آنکه از چشم‌هایم بخوانی (شعرهای اروتیک چپ) • آنا ماریا روداس؛
ترجمه: علی اصغر فرداد
این شهر دیگر جای ماندن نیست • محبوبه زرگر
بی‌شکوفه، بی‌گیلاس • نازنین شاطری‌پور
استیگماتا • م.ع سبحانی
تورا حافظی • نیما نیا
دیوان ژاله • عالم‌تاج قائم‌مقامی
آخرین زن لوت • اعظم بهرامی
دهان مُرده • ناما جعفری
۷۰ شعر در میان دو بوسه • هوشنگ اسدی
می‌افتم از دستم (فارسی و ترکی) • شاعر: سهیلا میرزایی؛ مترجم: رقیه کبیری
هم‌رقص باد • نازنین شاطری‌پور
بوسه‌ی آسمانی • کرولاین مری کلیفلد؛ ترجمه: سپیده زمانی

آوازه‌های فالش کشورم • فیروزه فزونی
در صدای تو می‌دانی چیست؟ • جمال ثریا؛ ترجمه: بهرنگ قاسمی
پرواز ایکاروس • هلیده دومین؛ ترجمه: علی اصغر فرداد
ماه مجروح (مجموعه آثار کمال رفعت صفائی) • به کوشش حسین دولت‌آبادی
سوار بر قایق حیات • سروده‌های علی تقوایی، طراحی‌های شکوفه کاوانی
تلفظ برهنگی زن در ماه • نرگس دوست
رَعشه‌های خوف، رَحشه‌های خُجسته • سیاوش میرزاده
مرا به آبها بسپار • کتی زری بلیانی
آوازه‌های زیباییات • شاعر: ماریو مرسیه؛ ترجمه: هدی سجادی
یکی به آبی عمیق می‌اندیشد • حمزه کوتی
دل به دلبری افتاد • کوروش همه‌خانی
یک گل آبی رنگ، رنگ لبخند خدا • موژان صغیری
تکه‌ای از قلب خدا • موژان صغیری
رد پای طلایی • موژان صغیری
آدرخش آذر آیین • دارا نجات
هنوز • مهتاب قربانی
قاصدک‌های بی‌خبر • بهرام غیاثی
در همه شهرهای دنیا زنی است • نیلوفر شیدمهر

داستان فارسی

رمان

شکار • زکریا هاشمی
طوطی • زکریا هاشمی
رنج مدام زیستن • رضا بهرام‌پور
عیار • زکریا هاشمی
سن‌خوزه شهر پرتقال‌های سرگردان • لیلا امانی
درخشش چشمان کف‌دستم • مهدی رئیس‌المحدثین
راهنمای جامع جنگل بوق • رضا جعفری
من، منصور و آلبرت • فرخنده حاجی‌زاده

ماه طلعت • ژیلآ آفاریعی
دمپایی‌های سفید • ناهید پیلوار
ناوه‌کش • حامد نیک‌اختر
درچنگ • شهرام رحیمیان
تربیت‌کننده‌ی سگ‌ماهی • احمد آرام
ناسراندازان • ماه دوران معیری
زندگی در تابوت‌های شرقی • پژار ملکی
موش‌ها بال ندارند • آرش خوش‌صفا
انجل لیدیز • خسرو دوامی
سال‌های سربی بی‌پایان • علیرضا اکبری
پسر عربی • مرتضی کربلایی‌لو
همه ما شریک جرم هستیم • حمید حامد
همه چیز درست بود و به اندازه • سپیده محمودی‌دانالو
گنبد‌های قرمز دوست‌داشتنی • فاطمه کلانتری (صحرا)
خاطرات آسفالت • میلاد ظریف
تهران در آغوش برلین • فرزانه سید سعیدی
رویای ایرانی • انوشه منادی
آخ • فاطمه میرعبداللهی
زیر درخت دابلین • پرهام مطبوع
عقرب‌کشی (ماه پیشانی) • شهریار مندنی‌پور
مادیان سرکش • مژده شبان
انتقام با احترام گرفته شد • امین کاظمی
شروه • ماندانا انصاری
اهالی خانه پدری • علی اصغر راشدیان
حضور در مجلس ختم خود • علی اصغر راشدیان
تادانو • محمدرضا سالاری
ویرانگران • رضا اغنمی
طلا • بهار بهزاد
دندان‌ها را یک روایت آشفته • مظاهر شهامت
دوار • میثم علیپور



MEHRI PUBLICATION

Poem * 49

Look

Nahid A.Musawi

British Library Cataloguing Publication Data: A catalogue record for this book is available from the British Library | ISBN: 978-1-915029-57-7|

|First Published Autumn 2021| 66 Pages|

|Printed in the United Kingdom, 2021|

|Book & Cover Design: Mehri Studio|

Copyright © Nahid A.Musawi, 2021
© 2021 by Mehri Publication Ltd. \ London.
All rights reserved.

No part of this book may be reproduced or transmitted in any form or by any means, electronic or mechanical, including photograpyng and recording, or in any information storage or retrieval system without the prior written permission of Mehri Publication.



www.mehripublishation.com
info@mehripublishation.com



هنوز از اکالیپتوس های یونسکو خون می چکد • عیسی بازیار
آن سوی چهره ها • رضا اغنمی
الشا • فرزانه حوری
بوته های تمشک (والش کله) • محمد خوش ذوق
سندروم اولیس • رعنا سلیمانی
پیش از تردید • فهیمه فرسای
بگذار زنده بمانم • بردیا حدادی
مریم مجدلیه • حسین دولت آبادی
توکای آبی • حامد اسماعیلیون
شب جمعه ایرانی • جواد پویان
آنها دیگر از آن ایستگاه نگذشته اند • مهدی مرعشی
خانه بان • مریم دهخدا بی
گذار (در سه جلد) • حسین دولت آبادی
ما بچه های خوب امیریه • علیرضا نوری زاده
چشم باز و گوش باز • زکریا هاشمی
سلام لندن • شیوا شکوری
اوروبروس • سپیده زمانی
اثر انگشت • رئوف مرادی
کبودان • حسین دولت آبادی
خون اژدها • حسین دولت آبادی
مرداب • رضا اغنمی
باد سرخ • حسین دولت آبادی
چوبین در • حسین دولت آبادی
ایستگاه باستیل • حسین دولت آبادی
اشک های تورنتو • سیامک هروی
سرزمین جمیله • سیامک هروی
گرداب سیاه • سیامک هروی
بوی بهی • سیامک هروی
سیب را بچین • لیلی ناهیدی آذر

www.mehripublication.com

Look

Collection of Poems

Nahid A.Musawi

■
LOOK

Nahid A.Musawi
■

حال
که از بهشت
رانده شدم

دندان را
تا جگر
در تن شیرین سیب
فرو می برم

و کار ناتمام حوا را
به پایان
می رسانم.



www.mehripublication.com